

# کتاب دانیال - شماره هفت

هفت پادشاه

Jeff Pippenger

2023-12-02

هفت رعد نمایانگر تاریخ ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ هستند. آن تاریخ با آخرین هفت پادشاه پادشاهی یهودا نمود یافت؛ از منسی در ۶۷۷ پیش از میلاد تا صدقیا در ۵۸۶ پیش از میلاد.

در خطوط مقدس اصلاح، یکی از ویژگی‌های قدرت یافتن فرشته اول، نمادی است که بر جهانی بودن امری دلالت می‌کند. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پیام فرشته اول تقویت شد و سپس آن پیام به هر ایستگاه میسیونری در سراسر جهان رسانده شد.

جنبش ظهور ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه میسیونری در سراسر جهان ابلاغ شد. مناقشه عظیم، ۶۱۱.

در آن زمان، به‌گونه‌ای نبوی، فرشته مکاشفه باب دهم فرود آمد و یک پای خود را بر زمین و پای دیگرش را بر دریا نهاد. خواهر وایت آن را نمادی از گستره جهانی پیام دانست.

وضعیت فرشته، با یک پا بر دریا و پای دیگر بر خشکی، نشان‌دهنده گستره وسیع اعلام پیام است. این پیام از آب‌های پهناور خواهد گذشت و در کشورهای دیگر و حتی در سراسر جهان اعلام خواهد شد. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد 7، 971.

اعلام نخستین فرمان کوروش، فرمانی جهانی بود.

اکنون در سال نخست کوروش پادشاه پارس، تا سخن خداوند که به زبان ارمیا گفته شده بود به انجام رسد، خداوند روح کوروش پادشاه پارس را برانگیخت تا او در سراسر پادشاهی خویش اعلامیه‌ای صادر کند و آن را نیز به نگارش درآورد و گفت: «کوروش پادشاه پارس چنین می‌گوید: خداوند، خدای آسمان، همه پادشاهی‌های زمین را به من بخشیده است و مرا مأمور ساخته است که در اورشلیم که در یهوداست، خانه‌ای برای او بنا کنم. هر که از قوم او در میان شماست، خدای او با او باشد؛ به اورشلیم که در یهوداست برود و خانه خداوند، خدای اسرائیل (اوست خدا) را که در اورشلیم است بنا کند. و هر که در هر جایی که اقامت دارد باقی بماند، مردمان آنجا او را با نقره و طلا و اموال و چارپایان یاری دهند، جدا از هدایای داوطلبانه برای خانه خدا که در اورشلیم است.» آنگاه رؤسای خاندان‌های پدری یهودا و بنیامین و کاهنان و لاویان، همراه با همه کسانی که خدا روح ایشان را برانگیخته بود، برخاستند تا برای ساختن خانه خداوند که در اورشلیم است عازم شوند. عزرا ۱:۱-۴

چنان‌که پیام فرشته نخست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ به همه مراکز میسیونری جهان رسانده شد، کوروش هنگام صدور فرمان نخست، خود را پادشاه «تمامی ممالک زمین» معرفی می‌کند. نزول فرشته مکاشفه باب ده—فرشته‌ای که خواهر وایت او را «نه کمتر از شخص خود عیسی مسیح» معرفی می‌کند—همان ویژگی‌های نبوی را دارد که فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده دارد. خواهر وایت بیان می‌کند که هدف فرشته نخست همان هدف فرشته مکاشفه باب هجده بود.

«عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور کرد تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که برای ظهور دوم او آماده شوند. هنگامی که فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بسیار درخشان و پر جلال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خود

روشن سازد و انسان را از خشم قریب الوقوع خدا برحذر دارد.» نوشته‌های اولیه، ۲۴۵.

قدرت‌یافتن فرشته نخست نمادی است که بر جنبه‌ای جهانی تأکید می‌کند. پیام نخست در زمان مسیح، هنگام تعمید او، قدرت یافت. کتاب مقدس گواهی می‌دهد که همه قوم اسرائیل به بیابان رفتند تا پیام یحیی را بشنوند.

آنگاه اورشلیم و تمام یهودیه و همه نواحی اطراف اردن به سوی او بیرون رفتند، و در رود اردن از او تعمید می‌یافتند و به گناهان خود اعتراف می‌کردند. متی ۳:۵، ۶.

خدمت مسیح متوجه اسرائیل باستان بود و از آن منظر نبوی، تمام جهان به سوی رود اردن، محل تعمید مسیح، کشیده شد. با این حال، آیین تعمید و آنچه هنگام تعمید مسیح نشان می‌داد، برای همه جهان بود.

نام «یهویاقیم» به معنای «خدا برخواهد خاست» است، و در تعمید مسیح، هنگامی که یوحنا مسیح را از آب بالا آورد، نماد «برخاستن» از قبری آبی به عنصری از آن قدرت بخشی بدل شد. در چهار آیه نخست عزرا که پیش‌تر بدان‌ها اشاره کرده‌ایم، آیه پنج پاسخ کسانی را که فرمان را شنیدند چنین بیان می‌کند: «آنگاه روسای خاندان‌های یهودا و بنیامین، و کاهنان و لاویان، همراه با همه آنان که روحشان را خدا برانگیخته بود، برخاستند تا بالا روند و خانه خداوند را که در اورشلیم است بنا کنند.» هنگامی که پیام نخست قدرت می‌یابد، برخاستنی رخ می‌دهد، چنان‌که نام یهویاقیم آن را نمایان می‌کند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پیام نخست جنبش عظیم فرشته سوم تقویت شد، چنان‌که نمونه‌اش را در تقویت پیام نخست جنبش عظیم فرشته اول می‌بینیم. خواهر وایت درباره ویرانی برج‌های دوقلو در همان تاریخ اظهار نظر می‌کند.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آن‌جا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

در هنگام قدرت‌یافتن پیام نخست در تاریخ صد و چهل و چهار هزار، خداوند «برخاست» تا «زمین را سخت بلرزاند». نام یهویاقیم نماد قدرت‌یافتن پیام نخست است. در یازدهم اوت ۱۸۴۰، خداوند از تخت خود برخاست و به زمین فرود آمد و بر خشکی و دریا ایستاد. با نخستین فرمان کوروش، مؤمنان برخاستند. یهویاقیم نه تنها نماد رسیدن فرشته نخست است، بلکه نمایانگر قدرت‌یافتن فرشته نخست نیز هست.

یهویاقیم نخستین سه پادشاه آخر است، اما او همچنین پنجمین نفر از میان هفت پادشاهی است که به ویرانی اورشلیم انجامیدند. نام‌های آن هفت پادشاه بسیار گویاست. آن هفت پادشاه عبارت بودند از: منسی، آمون، یوشیا، یهوآحاز، یهویاقیم، یهوایکین و صدقیا.

در تاریخ پیروان میلر، منسی نمایانگر زمان پایان، یعنی ۱۷۹۸، است. «منسی» به معنای «فراموشاندن» است، و در سال ۱۷۹۸ است که فاحشه صور برای هفتاد سال به فراموشی سپرده

می‌شود. منسی یکی از شیرترین پادشاهان بود و ویژگی‌های نبوی‌ای دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

آخرین هفت پادشاه یهودا نمایانگر تاریخ هفت تندر از سال 1798 تا 22 اکتبر 1844 هستند. منسی نخستین این هفت پادشاه بود و چون نخستین هفت بود، نمونه‌ای از صدقیا، آخرین این هفت پادشاه، به شمار می‌رفت. عیسی همواره پایان را با آغاز یکی می‌گیرد. صدقیا، آخرین این هفت پادشاه، به بردگی و اسارت بابل برده شد. نخستین این هفت پادشاه آخر نیز به اسارت بابل برده شد و این، نماد به اسارت بابل برده شدن آخرین پادشاه بود.

و خداوند با منسی و قومش سخن گفت، اما آنان گوش فرا ندادند. از این رو خداوند سالاران لشکر پادشاه آشور را بر ایشان آورد؛ آنان منسی را در میان خارها گرفتند و او را با زنجیرها بستند و به بابل بردند. و چون در تنگی بود، به درگاه خداوند، خدای خود، تضرع کرد و در حضور خدای پدرانش سخت فروتن شد، و نزد او دعا نمود؛ و او دعایش را پذیرفت و التماسش را شنید و او را بار دیگر به اورشلیم، به پادشاهی‌اش، بازآورد. آنگاه منسی دانست که خداوند خداست. دوم تواریخ 13-33:10.

تجربه منسی در شناخت اینکه خداوند خداست با برکنار شدن از پادشاهی‌اش و سپس بازگردانده شدن به پادشاهی‌اش تحقق یافت. نبوکدنصر نیز، همچون منسی، وقتی از پادشاهی‌اش برکنار شد و سپس بازگردانده شد، خداوند را شناخت.

و در پایان آن روزها، من نبوکدنصر چشمانم را به سوی آسمان برافراشتم و عقل من به من بازگشت؛ و آن برترین را متبارک خواندم و او را که تا ابد زنده است ستودم و تکریم کردم؛ که فرمانروایی او فرمانروایی جاودانه است و پادشاهی او از نسل تا نسل است. و همه ساکنان زمین به هیچ انگاشته می‌شوند؛ و او بر وفق اراده خود در لشکر آسمان و در میان ساکنان زمین عمل می‌کند؛ و هیچ‌کس نمی‌تواند دست او را بازدارد یا به او بگوید: چه می‌کنی؟ در همان هنگام عقل من به من بازگشت؛ و برای جلال پادشاهی‌ام، عزت و شکوه من به من بازگشت؛ و مشاوران و بزرگانم مرا طلبیدند؛ و در پادشاهی‌ام استوار شدم، و شکوهی فزون‌تر بر من افزوده شد. اکنون من، نبوکدنصر، پادشاه آسمان را می‌ستایم و تمجید و تکریم می‌کنم؛ که همه کارهایش حق است و راه‌هایش دآوری؛ و آنان را که در غرور گام می‌زنند، قادر است فروتن سازد. دانیال ۴:۳۴-۳۷.

تجربه منسی بر نبوکدنصر واقع شد. منسی در تاریخ سه پادشاه آخر یهودا نمایانگر «زمان آخر» و فرارسیدن نبوت هفتاد سال اسارت است. نبوکدنصر نیز در تاریخ سه فرمان نمایانگر «زمان آخر» است؛ همان‌گونه که سال ۱۷۹۸ «زمان آخر» در تاریخ هفت رعد بود. در آیاتی که به تازگی نقل شد، ادراک نبوکدنصر در «پایان روزها» به او بازگشت. به «پایان روزها» در فصل دوازدهم دانیال نیز اشاره شده است.

اما تو به راه خود برو تا پایان فرا رسد؛ زیرا آرام‌خواهی گرفت و در پایان روزها در نصیب خود خواهی ایستاد. دانیال ۱۲:۱۳.

«آخر ایام» در باب دوازدهم دانیال همان «وقت آخر» است، زیرا به دانیال گفته شد که برود «تا پایان برسد». در آن زمان دانیال «در سهم خود خواهد ایستاد». «در سهم خود ایستادن» یعنی هدف خود را به انجام رساندن؛ و دانیال این را زمانی انجام داد که در آخر ایام، یعنی «وقت آخر»، مهر از کتابش برداشته شد. در آن زمان «افزایش معرفت»ی خواهد بود که خردمندان آن را درک خواهند کرد. در پایان روزهای نبوکدنصر «فهم» او به او بازگشت.

وقتی خدا به کسی کاری ویژه برای انجام دادن می‌دهد، او باید همان‌گونه که دانیال ایستاد، در جایگاه خود بایستد، آماده برای پاسخ دادن به دعوت خدا، آماده برای به انجام رساندن مقصود او. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۶، ۱۰۸.

منسی در تاریخ سه پادشاه آخر یهودا نمایانگر "وقتِ آخر" است، نبوکدنصر نیز در سه فرمان نمایانگر "وقتِ آخر" است. منسی را پسرش آمون دنبال کرد.

«آمون» به معنای «آموزش» است و نمایانگر دوره‌ای است که در آن «افزایش دانش»ی وجود داشت که «دانیان» را در پیامی که مهرش گشوده شده بود آموزش می‌داد. سپس آمون را یوشیا دنبال کرد، تنها پادشاه از میان آن هفت که تاریخ پیش‌گویانه نسبتاً خوبی، هرچند پیچیده، دارد.

یوشیا به معنای «بنیاد خدا» است و نمایانگر استقرار حقایقی است که در «زمان پایان» مهرشان برداشته شده بود. افزایش دانشی که آمون نمایانگر آن بود، به دست ویلیام میلر، با هدایت جبرئیل و دیگر فرشتگان مقدس، گردآوری شد. کار میلر با نام یوشیا نمایندگی می‌شود، زیرا او بنیان‌های این جنبش را پی‌ریزی کرد. درباره یوشیا گفتنی‌های بسیار بیشتری هست، اما به پسرش یهوآحاز می‌پردازیم.

یهوآحاز بیست‌وسه‌ساله بود هنگامی که پادشاهی را آغاز کرد؛ و او سه ماه در اورشلیم سلطنت کرد. نام مادرش حموتال، دختر ارمیا از لینه بود. او آنچه را در نظر خداوند بد بود، مطابق آنچه پدرانش انجام داده بودند، به جا آورد. و فرعون نخو او را در ربله، در سرزمین حمات، به بند کشید تا در اورشلیم سلطنت نکند؛ و بر آن سرزمین صد وزنه نقره و یک وزنه طلا خراج بست. و فرعون نخو الیاقیم پسر یوشیا را به جای پدرش یوشیا پادشاه ساخت و نام او را به یهوایاقیم تغییر داد و یهوآحاز را با خود برد؛ او را به مصر برد و او در آنجا مرد. دوم پادشاهان ۳۱:۳۳-۳۴.

یهوآحاز به معنای «یهوه به چنگ آورده است» است و او نیز به دست فرعون نخو گرفتار شد. یهوآحاز، پسر یوشیا، به دست فرعون نخو گرفتار شد و جایش را برادرش الیاقیم گرفت؛ نام او به معنای «خدای برافراشتن» است. سپس فرعون نخو نام الیاقیم را به یهوایاقیم تغییر داد، به معنای «خدا برخواهد خاست». تغییر نام نمادی از یک رابطه عهدی است، و در هنگام قدرت بخشی نخستین پیام، خدا با قومی وارد عهد می‌شود، و هم‌زمان از کنار قوم عهد پیشین می‌گذرد.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، چهار بادی که امپراتوری عثمانی را نمایندگی می‌کردند و به مدت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز رها بودند، از حرکت بازداشته شدند؛ یا بنا بر معنای نام یهوآحاز، «گرفته شدند». هم‌زمان، الیاقیم به پادشاهی منصوب شد و نامش به یهوایاقیم تغییر یافت، به معنای «خدا برخواهد خاست». پس از یهوایاقیم، پسرش یهوایاکین به پادشاهی رسید که در کتاب مقدس سه نام دارد.

نام یهوایاقین به معنای «خداوند برپا و برقرار خواهد کرد» است. او پسر یهوایاقیم بود و نشانگر فرارسیدن فرشته دوم در بهار ۱۸۴۴ است، زیرا خداوند «شاخ پروتستان جدید و حقیقی» را برپا و برقرار ساخت. پیام فرشته دوم به واسطه پیام ندای نیمه‌شب قوت گرفت، و یکونیا و کنیا به معنای «خداوند برقرار خواهد کرد» هستند. این سه نام، که همگی معنای یکسانی دارند، نمایانگر پیوند خوردن ندای نیمه‌شب با پیام فرشته دوم‌اند. در افاضه نهایی روح القدس در زمان فریاد بلند است که آن صد و چهل و چهار هزار مهر می‌شوند. مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار، نمونه‌اش در ندای نیمه‌شب جنبش میلریتی دیده شد، و یهوایاقین، که او را یکونیا و کنیا نیز می‌نامند، نمادی از این مهر شدن است.

به حیات خودم سوگند، می‌گویم خداوند، که اگرچه کنیا پسر یهوایاقیم، پادشاه یهودا، همچون مهر انگشتی بر دست راست من می‌بود، با این همه تو را از آنجا می‌کنم؛ و تو را به دست کسانی که در پی جانت هستند، و به دست آنان که از ایشان بیم داری، یعنی به دست نبوکدنصر پادشاه بابل

و به دست کلدانیان، خواهم سپرد. و تو را، و مادرت را که تو را زاده است، به سرزمینی دیگر خواهم افکند، سرزمینی که در آن زاده نشده‌اید؛ و در آنجا خواهید مرد. اما به آن سرزمینی که آرزوی بازگشت به آن را دارید، باز نخواهند گشت. آیا این مرد، کنیا، بتی شکسته و خوار شده است؟ آیا او ظرفی است که مورد پسند نیست؟ پس چرا او و نسلش رانده شده‌اند و به سرزمینی که نمی‌شناسند افکنده شده‌اند؟ ای زمین، زمین، زمین، کلام خداوند را بشنو. ارمیا ۲۴:۲۲-۲۹.

یهویاکین، یکنیا و کنیا نمایانگر زمان مهر شدن‌اند، زمانی که فرشته دوم با پیام فریاد نیمه‌شب همراه می‌شود. او نمایانگر زمان مهر شدن نادانان است. آن پادشاه شریر نماینده کسانی است که دوشیزگان نادان لائودیکه‌ای‌اند و در زمان مهر شدن مقدر است نشان وحش را دریافت کنند، زیرا برای همیشه از دهان خداوند بیرون انداخته می‌شوند.

انگشت مهر بر دست راست خدا، مهر اوست، و آنانی که در جریان مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر از دهان خداوند بیرون انداخته می‌شوند، در تقابل با زروبابل، مردی که شاقول «هفت زمان» در دست داشت، قرار می‌گیرند.

به زروبابل، والی یهودا، بگو: آسمان و زمین را خواهم لرزاند؛ و تخت پادشاهی‌ها را واژگون خواهم ساخت و نیروی پادشاهی‌های قوم‌های بیگانه را نابود خواهم کرد؛ ارابه‌ها و سوارانشان را واژگون خواهم ساخت، و اسبان و سوارانشان فرو خواهند افتاد، هر یک به شمشیر برادر خویش. در آن روز، خداوند لشکرها می‌گوید: تو را، ای زروبابل پسر شلتیئیل، خدمتگزارم، برخوادم گرفت، خداوند می‌گوید، و تو را چون مهر انگشتی خواهم ساخت؛ زیرا تو را برگزیده‌ام، خداوند لشکرها می‌گوید. حجی ۲۱:۲۳-۲۴.

«سینگ لغزش» که همان «هفت زمان» است، «شاقول»ی است در دست زروبابل، و او به‌عنوان «مهری» نمایانده می‌شود که خدا برای مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار به‌کار می‌گیرد. آن مهر، یا «نشان»، بر کسانی نهاده می‌شود که برای «رجاسات»ی که در اورشلیم انجام می‌شود «ناله و فریاد» می‌کنند. این ناله و فریاد تجربه آنان را که مهر می‌شوند مشخص می‌کند، و «نشانه‌گذاری و فریاد» نماد پاسخ درونی آنان به درمان «هفت زمان» است. این اعتراف به گناهان خود و گناهان پدرانشان است. این اذعان است به اینکه آنان با خدا راه نرفته‌اند و اینکه خدا نیز از زمان سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با آنان راه نرفته است. این همان آزمونی است که در سال ۱۸۶۳ در آن شکست خوردند، در دوره‌ای که فیلادلفیا در حال گذار به لائودیکه بود. این نماد دوره‌ای بود که در آن کسانی که نماینده‌شان کنیاست، برای همیشه به‌عنوان دوشیزگان نادان لائودیکی تثبیت می‌شوند، و کسانی که نماینده‌شان زروبابل است، برای همیشه به‌عنوان دوشیزگان خردمند فیلادلفی تثبیت می‌گردند.

پس از یهوچین، صدقیاه آمد که آخرین آن هفت پادشاه بود. چون منسی نمایانگر سال ۱۷۹۸ و «وقت آخر» بود، صدقیاه باید نمایانگر ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ باشد، زمانی که رؤیا «سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت». «صدقیاه» نامی است که از ترکیب دو واژه عبری ساخته شده است. یکی از این دو واژه «یهوه» است و با واژه‌ای ترکیب شده که در دانیال، باب هشتم، آیه چهاردهم، به صورت «تطهیر شد» ترجمه شده است. صدقیاه به معنای تطهیر هیکل خداست که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد.

هفت پادشاه آخر یهودا نمایانگر سیر تاریخی پیش‌رونده از ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ هستند. یهوایقیم نماد ۱۱ اوت ۱۸۴۰ است که خود نمایانگر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌باشد. او نماد قوت گرفتن پیام فرشته اول است و در آیه نخست از باب اول دانیال معرفی می‌شود. بنابراین، فضا و زمینه باب اول دانیال همان قوت گرفتن پیام فرشته اول است، چنان‌که در باب دهم مکاشفه نشان داده شده است. در باب دهم مکاشفه، مسیح با کتابی کوچک در دست خود فرود آمد و به یوحنا فرمان داده شد آن را بخورد. از همین رو نخستین آزمون در کتاب دانیال به خوردن مربوط می‌شود.

در مقاله بعدی به این مباحث ادامه خواهیم داد.

و او به من گفت: ای پسر انسان، شکمت را بخوران و درونت را از این طومار که به تو می‌دهم پر کن. آنگاه آن را خوردم؛ و در دهانم مانند عسل شیرین بود. حزقیال ۳:۳